

گزارش شرکت در نود و هفتمین اجلاس سالانه ILO

علی رضا تقفی

پنجم تیر هشتاد و هفت

در ۳۰ سال گذشته همواره این بحث در ILO مطرح بوده است که نمایندگان بخش کارگری و کارفرمایی که از ایران می آیند، وابسته به دولت هستند. بر اساس ماده ۳ بنده ۵ اساسنامه ILO، دولت ها موظفند نمایندگان غیر دولتی را در مورد مسائل کارگری و کارفرمایی معرفی کنند. بخش کارگری سازمان جهانی کار همواره اعتراض خود را در این زمینه اعلام کرده بود. اعتراضات ایرانیان خارج از کشور و نمایندگان مستقل کارگری در داخل درباره دولتی بودن خانه کارگر، باعث کنارگذاشتن خانه کارگزاران هیات نمایندگی ایران در دو سال گذشته شده است و جای آنرا شورای اسلامی کار گرفته است، اما خانه کارگر از طرف IWTU (فدراسیون کارگران وابسته به بلوک شرق سابق)، به عنوان نماینده مستقل کارگران دعوت می شود و از جانب دولت نیز تایید می شود. امسال تحت فشار هیات های مستقل کارگری، اتحادیه بین المللی کارگران (کشورهای اروپائی و آمریکائی) I.TUCI اصرار بر دعوت نماینده مستقلی از ایران داشت و ضمن تماس های گرفته شده از من به عنوان روزنامه نگار و آشنا به مسائل کارگری دعوت شد. موقع دعوت گفته شده بود که از من می خواهند تا در مورد خواسته های جنبش مستقل کارگری به مدت ۷ دقیقه در بحث مربوط به ایران شرکت کنم. به همین دلیل متن صحبت خود را آماده کرده بودم از همان ابتدای دعوت هیچ توهمی نسبت به ILO نداشتم و تنها آنرا به عنوان تریبونی که بتوان از آن برای رساندن صدای کارگران ایران به دیگران استفاده کرد می دیدم.

با ورود به مقر سازمان ملل و ILO متوجه تغییر جو شدم. هیات ایرانی متشکل از وزیر کار و معاونانش از روز اول در آنجا حضور داشتند. با ما همانند یک فرد عادی که می خواهد از اجلاس دیدار داشته باشد برخورد شد. کارتی به عنوان وزیتور به ما داده شد که بتوانیم در جایگاه تماشاچیان بنشینیم و با این کارت امکان مشارکت مستقیم در جلسات نبود. با مراجعه به دفتر ITCU و ملاقات با دعوت کنندگان (آنا بیوندی و گای رایدر) آنها نیز مساله شرکت ما در کمیسیون های فرعی را مطرح کردند که این مساله از نظر ما قابل قبول نبود.

روز دوم با تماس هایی که گرفتیم و برخورد مستقیم و تندی که با گای رایدر داشتم، اعتراض کردم که اساسا چرا ما را دعوت کرده اند. مشخص شد که با فشار دولت ایران موافقت کرده اند که در اجلاس ILO به صورت وزیتور مخصوص بدون حق سخنرانی در مساله مربوط به ایران مشارکت کنم.

همان گونه که می دانید ILO اساسا اجلاس دولت هاست. و نمایندگان دولت ها از کشورهای مختلف و وزرای خارجه و روسای جمهور و یا نخست وزیران کشورهای مختلف در مقر سازمان ملل در ژنو اجلاس موازی هم دارند و در باره ی مسایل اقتصادی همانند اشتغال و کشاورزی و تغذیه صحبت می کنند. در روز اول که در اجلاس سازمان ملل به عنوان ناظر شرکت کردیم رییس جمهور اسلوانی سخنرانی کرد که به زبان بسیار سلیس انگلیسی به مساله جهانی سازی حمله کرد و آن را به ضرر کشورهای در حال توسعه دانست. که البته با استقبال نه چندان گرم مواجه شد.

در روز دوم در اجلاس ILO به صورت وزیتور مخصوص شرکت کردم که بدون حق صحبت بود. اما از آنجا که نمایندگان کارگری کشورهای دیگر و اتحادیه های عضو ITCU حضور داشتند. ارتباط با آنها را شروع کردم. متن سخنرانی را تکثیر کرده به آنها دادم. ابتدا با گونزالس معاون و دستیار رئیس جلسه که اسپانیایی بود و سپس با آنی ون وزل که نماینده ی اتحادیه های هلند بود. او خانمی میان سال با گرایشات چپ بود که در کمیته ی مربوط به مسایل ایران شرکت داشت و علاقه ی زیادی به دانستن مسایل ایران به خصوص از طریق منابع مستقل داشت. متن سخنرانی را به او دادم و در باره ی مسایل ایران با او صحبت شد. در این جا متوجه شدیم که توافقی میان ILO و دولت ایران صورت گرفته است تا فقط در مورد دو مساله صحبت کنند. یکی مساله تبعیض جنیستی و دیگری مساله تبعیض در مورد اقلیت های مذهبی و ضمنا هیات ایرانی موفق شده است جلو سخنرانی من را بگیرد هم چنین هیچگونه بحثی در باره تشکل های مستقل کارگری و اخراج و عدم پرداخت حقوق صورت نخواهد گرفت. از آنجا که مسولین ILO خواهان حفظ رابطه با کشورها و نگهداری آنها در این سازمان هستند، چنین توافق هایی را با بعضی کشورها می کنند تا آنها از ILO بیرون نروند. یعنی به حداقل ها تن می دهند. مثلا در روز اول که ما در آن جلسات شرکت کردیم بحث کلمبیا و بنگلادش مطرح بود. این دو کشور در اجلاس در موضع ضعف قرار داشتند. در مورد کلمبیا مساله اصلی ترور فعالین کارگری بود که در سال گذشته بیش از ۱۶ نفر از این فعالین کشته شده اند یا به وسیله ی نیروهای دولتی و یا به وسیله ی مخالفان. حمله ها به دولت کلمبیا بسیار زیاد بود. در انتها دولت کلمبیا فعالیت هایش را در جهت حفظ جان فعالین کارگری بیان کرد. اما کمیته مسئول آن کشور خواهان فشار بیشتر به دولت برای جلوگیری از این مساله بود.

در مورد بنگلادش نیز مساله اجرای کنوانسیون های ۹۸ و ۸۷ بود که فعالین کارگری آن کشور گزارش دادند. توضیحات دولت بنگلادش قانع کننده نبود. و کمیته ی مخصوص خواهان تصویب پاراگراف مخصوص درباره ی آن کشور شد. لازم به توضیح است که پاراگراف مخصوص در حقیقت نوعی محکومیت آن کشور است. همچنین خواهان فرستادن بازرس فنی به آن کشور شدند. که نمایندگان دولت بنگلادش قبول نکردند. این مساله باعث شد که رییس با کمیته در همان جلسه به مذاکره خصوصی بپردازد. وقتی نماینده دولت بنگلادش هم خواهان مذاکره خصوصی شد رییس از آن امتناع کرد.

اما بحث در مورد ایران در روز پنج شنبه ۵ ژوئن بود که در ساعت ده شروع شد. ما روز چهار شنبه با مسولان کمیته ی ایران صحبت کرده بودیم. موارد مربوط به تبعیض جنیستی و قومی را برای آنها توضیح داده بودیم. اما موارد مربوط به تشکل های کارگری مستقل و اخراج کارگران مورد بحث قرار نگرفت. زیرا دولت ایران گفته بود اصلا در این موارد حاضر به صحبت نیست. و ILO که نگران رابطه خود با ایران است آن ها را از دستور حذف کرده بود. در صحبت هایی که با نمایندگان داشتیم می گفتند چین و ایران دو کشور متمرّد و قوی هستند و ILO در مورد تهدید چین به ترک اجلاس برای جلوگیری از حضور نمایندگان مستقل تسلیم شده. هر چند در این زمینه کسی به ما چیزی نگفت اما به نظر می آمد ایران نیز تهدید مشابهی کرده است. زیرا همه از تسلیم ILO به تهدید چین صحبت می کردند و می گفتند ایران هم مثل چین است. قبل از شروع جلسه ناگهان نماینده شورای اسلامی و نماینده ی خانه کارگر کنار صندلی من آمدند. در حالی که من اصلا آنها را نمی شناختم. و اسم آنها را شنیده بودم. درویش نماینده شورای اسلامی جزء هیات نمایندگی و حمزه ای به عنوان نماینده خانه کارگر و مسول روابط بین الملل آن.

اولین سوال آنها این بود که شما چگونه به اجلاس آمده اید. بدون اینکه به آنها گفتم روزنامه نگارم و روزنامه نگاران

همه جا می توانند بیایند. گفتند باید به محل ناظران بروی. گفتیم بالاخره ما روزنامه نگاران هم روابطی داریم. همه اش که شما رابطه ندارید. مطلب رابه شوخی کشاندم و سپس آنها را مورد سوال قرار دادم که مثلا شما نمایندگان کارگران هستید و طرفدار جمهوری اسلامی. شما باید از حقوق کارگران دفاع کنید. کشورهای دیگر را ببینید از اسانلو و هفت تپه حمایت میکنند. شما چرا ساکتید. وضعیت کارگران خراب است و... آنها به دفاع از خود پرداختند. حمزه ای گفت من همیشه از منصور اسالو دفاع کرده ام. همکار من است. اما آنها پارسال تظاهرات ما را به هم زدند. که نگذاشتم ادامه دهد و گفتیم مثلا تو کارگری و میدانی که بر روی کارگران فشار زیاد است. آنها هر جا بتوانند تظاهرات می کنند باید به آنها حق داد.

در همین موقع درویش هم به غیرت آمد و از حق کارگر دفاع کرد. او گفت من هم جنوبی هستم و در کارخانه کاغذ پارس کار می کنم. بچه های هفت تپه را می شناسم و از آنها دفاع می کنم. به او گفتیم پس چرا کمک نمی کنید تا سندیکایشان را تشکیل دهند که او گفت انجمن صنفی تشکیل دهند. اما خودشان اختلاف دارند و نمی توانند. تا حدودی از مسایل آنان آگاه بود. در همین موقع آنی و ن ویزل (نماینده اتحادیه های هلند وارد صحبت ما شد و خواست با درویش دست بدهد. درویش دستش را عقب کشید. من با او دست دادم. از آنها سوال کرد آیا حاضرید سخنرانی کنید. هیچ کدام جوابی ندادند من برایشان ترجمه کردم. و آنها گفتند که حاضر به سخنرانی نیستند. گفتیم پس چرا آمده اید.... دوباره به من گفت هر چه کردیم نتوانستیم برای سخنرانی شما وقت بگیریم. از او خواستم که اعلام کند که نمایندگان مستقل کارگری در سالن هستند که قبول نکرد.

آنها در صحبت هایشان اظهار تاسف کردند که یانیک فوت کرده است. حتما می گفتند که دعوت کننده شما یانیک بوده است و اگر او زنده بود شما به عنوان میهمان مخصوص در کنار هیات ریسه می نشستید. راست یا دروغ، همه مساله را به فوت یانیک مربوط می کردند.

در تمام مدت نمایندگان دولت ایران مواظب ما بودند. به هر حال بحث ها شروع شد. ایران متهم به این بود که تبعیض جنسیتی را در قوانین خود حذف کرده است. زنان نمی توانند قاضی شوند. حقوق زنان در بسیاری از موارد نقض می شود و در گزارش ILO در باره ایران توضیح مفصل داده شده بود.

نماینده ی ایران معاون وزیر کار بود و انگلیسی را با لهجه ی سلیس امریکایی صحبت می کرد ، شرح مفصلی از اقدامات دولت برای رفع تبعیض جنسیتی و مذهبی ارائه کرد که منطبق با مقوله نامه های ۱۱۱ است و گفت ۶۷ درصد زنان در دانشگاه ها مشغول به تحصیل هستند و هم چنین ۴۰۰ زن در دانشگاه ها مشغول تدریس هستند. دو قاضی زن وجود دارند که می توانند حکم بازداشت و آزادی زندانیان را صادر کنند. در سایر موارد اگر زنان مشارکتی ندارند مربوط به مسایل فرهنگی ایران است که مثلا در مورد مجلس به زنان رای ندادند. این دیگر مربوط به دولت نیست و یا در پذیرش بعضی مشاغل مساله مربوط به روابط بین زنان و شوهران است که حاضر نیستند زنان در آن مشاغل حضور داشته باشند و مربوط به دولت نیست. در مورد اقلیت ها گفتند بهاییان در دانشگاه ها و مشاغل مختلف حضور دارند و هیچ ممنوعیتی ندارند و شاید برای اولین بار بود که ایران اعلام می کرد بهاییان را به رسمیت می شناسد. صحبت از دانشجویان بهایی و مدیران خصوصی بهایی بود. و مشارکت اقلیت ها در مدیریت کشور. ایشان مطرح کردند که خودشان از اقلیت ها هستند. نماینده ی ایران سپس شرح مفصلی از مدیران کرد در منطقه ، مدیران

بلوچ در بلوچستان و مدیران ترک در آذربایجان و غیره داد. در مقابل ۴ نماینده کارگران و کمیته ی ایران به موارد نقض حقوق اقلیت ها و مساله تبعیض جنسی پرداختند. به قوانین محدود کننده اشاره کردند و به این که در بسیاری موارد حقوق زنان نصف مردان است. و کارگاه های زیر ده نفر که در آن قوانین کار جریان ندارد واکثرا از کارگران زن استفاده می کنند. در ۸۱ دانشگاه بهاییان حق تحصیل ندارند. زنان حق قضاوت ندارند و ...

مجددا نماینده ایران به پاسخ گویی پرداخت. و گفت که قوانین به گونه ای است که تا سال ۲۰۱۰ تبعیض ها برطرف خواهد شد. و از این قبیل. از جمله آن که هیچ گزارشی در مورد نصف بودن حقوق زنان در ایران دریافت نکرده اند و تکرار همان مسایل قبل.

یکی از نمایندگان خواهان صدور پاراگراف مخصوص برای ایران شد.

پس از تعطیلی جلسه نمایندگان کنگره کانادا به سراغ ما آمدند و از اینکه نتوانستیم در کنگره کار کانادا شرکت کنیم اظهار تاسف کردند و از من خواستند که در یک ورقه که با خودشان آورده بودند اعتراض کتبی خود را به دولت کانادا اعلام کنم. آنان تلاش زیادی کردند که میان ما و هیات های نمایندگی کشورهای مختلف ارتباط برقرار شود. که به این ترتیب ما بانمایندگان کشورهای استرالیا، فرانسه، انگلیس، آلمان، ونزوئلا، ایتالیا جلسات مشترک داشتیم. با تمام آنها قرار گذاشتیم و برای همه ی آنها وضعیت کارگران ایران را توضیح دادیم. همه با حمایت از ما آدرس ها و ایمیل های خود را دادند و از ما خواستند که روابط بیشتری داشته باشیم.

مهمترین ملاقات ما با M RagHwan مسول بازرسی های ILO و رییس پانک سول بازرس مخصوص ایران بود. او بسیار مسلط آگاه و طرفدار کارگر بود.

او وزیر کار ایران را فردی ضد کارگر و حکومت ایران را دارای تفکرات ضد کارگری می دانست. اما می گفت حرف ما برد ندارد و ILO ملاحظات خاص خودش را دارد. او تاکید کرد که اگر پانک سول این بار به ایران بیاید حتما با تشکل های مستقل کارگری تماس می گیرد.

ملاقات با نمایندگان CGT

آقای ژان فرانسوا کو رب نماینده روابط بین المللی CGT بود ابتدا من صحبت کردم که فرانسه به عنوان بزرگترین سرمایه گذار در صنایع نفت و گاز و اتومبیل در ایران موظف است که مقابله نامه های بین المللی را در مورد نیروی کار به اجرا در آورد. شرکت های توتال رنو و پژو که بیشترین سرمایه گذاری ها را در ایران دارند در مورد حقوق کار در مناطق سرمایه گذاری کاملا بی تفاوت هستند. آن ها باسودهای کلانی که میبرند تنها به فکر غارت منابع هستند و در پایمال کردن حقوق کارگران دخالت مستقیم دارند. در صنایع نفت و گاز و اتومبیل سازی کارگران حق تشکیل اتحادیه و سندیکا را ندارند. حق برگزاری مراسم جشن اول ماه مه را ندارند. از حق انتخابات آزاد برای تشکیل تعاونی های مسکن و یا سایر تعاونی ها برخوردار نیستند و حتی بر روی تشکل های ساده مانند گروه کوهنوردی و یا فعالیت هایی از این قبیل شدیداً کنترل اعمال می شود. کارگران در این بخش ها حق قراردادهای دسته جمعی را ندارند و مورد فشار اخراج ها، نداشتن قرارداد دائم کار قرار دارند. به نظر ما اتحادیه کارگران فرانسه می تواند از طریق روابط با اتحادیه

های این شرکتها و با مراکز اتحادیه ای از این شرکت ها خواهد که حد اقل، استانداردهای نیروی کار را رعایت کنند. در مقابل وی بحث ورود گروه های سیاسی با مسایل اتحادیه ای را مطرح کرد که نباید این دو مساله با هم مخلوط شود. مثلا گفت که گروه های سیاسی به ما مراجعه کرده اند و از ما خواسته اند که دولت ایران را محکوم کنیم و به آن اعتراض کنیم. در حالی که اتحادیه ها مسایل سیاسی را دنبال نمی کنند و به مسایل کارگری و استانداردهای کارگری می پردازند. و گروه های سیاسی نمی توانند نمایندگان کارگری باشند. ما با اتحادیه های و گروه های کارگری می توانیم ارتباط داشته باشیم. و نه با گروه های سیاسی از جمله آنکه شما پارسال با آمدن نمایندگان ما به ایران مخالفت کردید که علت آن برای ما معلوم نیست.

من به آن ها توضیح دادم که علت مخالفت ما آن بوده است که نمایندگان CGT ویزای رسمی نداشته و می خواستند با ویزای توریستی بیایند که در این صورت به علت حساسیت شرایط، ملاقات ما با آنها مشکل می شد. زیرا CGT هم آماده نبود تا در سطح بین المللی اعلام کند که آنها نمایندگان CGT هستند. اما اگر اعلام کند و با هماهنگی قبلی بیاید ما از آنها استقبال می کنیم.

ملاقات با دیوید کاکرافت رئیس اتحادیه حمل و نقل بین المللی که فردی مسن و دارای تجربه ی زیادی در مسایل اتحادیه ای است، قبل از شروع سخنرانی او در روز یازدهم ژوئن صورت گرفت. او نطق خود را برای دفاع از منصور اسالو آماده کرده بود. اجلاس ILO شامل دو بخش است. یکی کمیته های سه جانبه برای بررسی پرونده دولت ها و روابط کاری و یکی هم مربوط به اظهار نظر دولت ها و نمایندگان کشورهای مختلف بر روری مسایل گوناگون. از جمله مسایل مربوط به اشتغال، خواربار جهانی، بهداشت کار و ... در این اجلاس کمیته های مختلف از کشورهای گوناگون نتیجه ی تحقیقات و بررسی های خود را ارائه می دهند. دیوید کاکرافت در میان حدود ۳۰ سخنران از کشورهای مختلف قرار داشت. نوبت او نزدیک به ساعت ۹ و نیم شب بود. در سخنرانی اش به طور مفصل از منصور اسالو دفاع کرد. هیات نمایندگی کشورهای مختلف آرمی با عکس اسالو را به سینه زده بودند و برچسب هایی با شعار "منصور اسالو را آزاد کنید بر روی میزهای کنفرانس دیده می شد. قبل از جلسه ی سخنرانی با هم گفت و گو داشتیم. او گفت حنفی روستاندی نماینده ی اتحادیه حمل و نقل بین المللی از آندونزی که برای دیدار اسالو به تهران آمده بود و موفق به دیدار نشده بود در بازگشت مورد بازجویی قرار گرفته است. در فرود گاه گذرنامه او را گرفته اند و در دسر زیادی داشته است.

اما ما تصمیم داریم باز هم نمایندگان مستقل را به ایران بفرستیم. و به دنبال نمایندگانی می گردیم که میان ما و دولت ایران واسطه باشند و از کشورهایی انتخاب شوند که با دولت ایران روابط خوبی دارند. او می گفت ما این کار را ادامه خواهیم داد. و تا آزادی او عقب نشینی نمی کنیم.

اجلاس ILO دستاورد دیگری نیز داشت: ثابت کرد که اگر مبارزات کاررگان برای بدست آوردن حقوق خود ادامه یابد مجامع جهانی مجبور به پذیرش جنبش مستقل کارگری هستند. هر چند که بخواهند در تعامل بر دولت ها بر آن سرپوش بگذارند، اما موفق نمی شوند.

در خارج از اجلاس مقابل مقر سازمان ملل متحد در روز ششم ژوئن جمعی از ایرانیان که حدود پنجاه نفر میشدند از کشورهای مختلف اروپائی گردهم آمده بودند و درحالی که باران شدیدی می بارید تجمع خود را در اعتراض به حضور

ایران وبی توجهی به حقوق کارگران در ایران برگزار کردند.

گزارش کمیته مخصوص ILO در پایان بحث هادرباره ایران، خواهان تداوم هم کاری با ایران بود. یک مهلت شش ماهه به ایران داده میشد تا گزارش جدیدی از پیشرفت در زمینه رفع تبعیض جنسیتی و تبعیض در مورد اقلیت ها ارائه دهد. مهم ترین نتیجه مشارکت در این اجلاس ها، همان ارتباط بانمایندگان کارگری کشورهای دیگر است دولت ها به راحتی با یکدیگر سازش کرده و کنار می آیند زیرا همه آن هادربرابر کارگران در یک جبهه قرار دارند. اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف تفاوت های زیادی دارند شناخت آن ها میتواند برای جنبش کارگری ایران اهمیت زیادی داشته باشد.

در پایان باید از همه کسانی که امکان این مسافرت را فراهم کرده اند بخصوص آقای مهدی کوهستانی نژاد تشکر کنم.

علی رضا ثقفی

۱۳۸۷/۴/۵